

# علوم انسانی اسلامی

سال دوازدهم ■ شماره ۴۶ و ۴۷ ■ فصلنامه تخصصی ■ پاییز و زمستان ۱۴۰۲ ■ ۴۰۰ صفحه ■ ۲۰۰۰۰۰ تومان



WWW.SCCSR.AC.IR

ISSN: 2383-0085



روح الله توحیدی نیا:

تأسیس سیره شناسی به مثابه دانش اسلامی



حبیب زمانی محجوب:

سیره حکومتی امام علی (ع): الگویی برای حرکت در مسیر تمدن سازی نوین اسلامی



محمد حسین ملک زاده:

## نظریه تفقه جامع



سیره تمدنی اهل بیت (علیهم السلام)

معرفی شخصیت و آثار استاد ملک زاده

آینده پژوهی علوم انسانی اسلامی

بازخوانی انقلاب اسلامی؛ از ریشه تا میوه

اقتصاد ایران و بازار سرمایه؛ از آسیب شناسی تا ارائه راهکار

هفتمین کنفرانس بین المللی علوم انسانی اسلامی و ششمین جایزه جهانی

محمد حسین دانش کیا:

## از سیره پژوهی تا تمدن سازی

با آثار و گفتارهایی از:

محمود حکمت نیا

احمد واعظی

محمد علی زلفی گل

غلامعلی حداد عادل

احمد حسین شریفی

عطاءالله رفیعی آتانی

محمد کرمانی کجور

سید کریم خوب بین خوش نظر

عطاءالله بیگدلی

مسعود آذربایجانی

نجف لکزائی

ابوالفضل گائینی

سید محمد تقی موحدابطحی

سید علی سیدی فرد

محمد جواد توکلی

رسول بخشی

غلامعلی معصومی نیا

روح الامین سعیدی

رضا رمضان نرگسی



### صاحب امتیاز و مدیر مسئول

رضا غلامی

### سردبیر

امیر سیاهپوش

### هیئت تحریریه

احمدحسین شریفی، عطاءالله رفیعی آثانی، رضا غلامی، محمد مهدی کاظمی نجف‌آبادی، سید محمدتقی موحدباطحی، محسن سلگی، سیدعلی سیدی‌فرد و روح‌الله داوری.

### مدیر داخلی

روح‌الله داوری

### کارشناس

حسین خزائی

### ویراستار

رضا شهبازی

### مدیر فنی و هنری

یوسف بهرخ

### بازبین نهایی

حمید عرفانی‌فر

### عکس

آزاد پیراینده، احمد ظهراپی، آرشیو فصلنامه

### همکاران این شماره

آرزو توکل‌آذری، سید علی سیدی‌فرد، محمد مهدی کاظمی، محسن مؤمنی، سید محمدتقی موحدباطحی و سید مهدی موسوی.

### چاپ و صحافی

چاپخانه میران

### نشانی مجازی

<https://journal.sccsr.ac.ir>

### راپانامه

[mag@sccsr.ac.ir](mailto:mag@sccsr.ac.ir)

### شماره تماس

تهران: ۰۲۱۹۶۶۵۷۸۰۱ / قم: ۰۲۵۳۲۹۳۸۵۶۲

### فروشگاه اینترنتی

<https://book.sccsr.ac.ir>

### نشانی فصلنامه

تهران: خیابان شهید مطهری

خیابان میرعماد پلاک ۲۳ طبقه سوم

کد پستی: ۱۵۸۷۸۱۳۱۱۶

قم: بلوار شهید صدوقی، خیابان حضرت ابالفضل (ع)،

خیابان دانش، کوچه ۳ پلاک ۷۱ طبقه دوم،

مجمع عالی علوم انسانی اسلامی

کد پستی: ۳۷۱۳۱۷۳۳۸۳



وَلَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ

- مطالب مندرج در نشریه بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان و گفت‌وگو شوندگان است.
- این فصلنامه در چکیده‌سازی و ویرایش مطالب، آزاد است.
- استفاده از مطالب فصلنامه، با یاد منبع، مانعی ندارد.
- مقالات و مطالب ارسالی بازگردانده نخواهد شد.
- این شماره با مشارکت مالی سازمان اوقاف و امور خیریه و سازمان تبلیغات اسلامی منتشر شده است.



#### سیره تمدنی اهل بیت (علیهم السلام)

- از سیره پژوهی تا تمدن سازی | ۱۱۱ |  
گفت‌وگو با دکتر محمدحسین دانش کیا
- سیره حکومتی امام علی (ع): الگویی برای حرکت در مسیر تمدن سازی نوین اسلامی | ۲۵ |  
گفت‌وگو با دکتر حبیب زمانی محبوب
- تأسیس سیره‌شناسی به مثابه دانش اسلامی | ۳۵ |  
گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر روح‌الله توحیدی‌نیا
- چگونه استخراج مفهوم تمدن از آیات و روایات امکان پذیر است؟ | ۶۵ |  
گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد کرمانی کجور

#### معرفی شخصیت و آثار استاد محمدحسین ملک‌زاده

- جایگاه تقریرالقرآن در هندسه معرفتی تفقه جامع از منظر استاد ملک‌زاده | ۸۷ |  
گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید کریم خوبین خوش‌نظر
- جایگاه خرد در دین‌شناخت؛ بررسی مکتب تجمیع و رویکرد اعتدالی استاد ملک‌زاده | ۹۷ |  
گفت‌وگو با دکتر عطاءالله بیگدلی
- برگ‌هایی از کتاب رهیافت اجتهادی به علوم انسانی اسلامی | ۱۱۱ |  
حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسین ملک‌زاده
- تصویر و تصویری کلی از تفقه جامع | ۱۱۹ |  
دکتر نفیسه نصر
- ایدۀ علم دینی در اندیشه استاد محمدحسین ملک‌زاده | ۱۲۶ |  
دکتر سید علی سیدی فرد
- مکتب اعتدال در اندیشه استاد محمدحسین ملک‌زاده | ۱۳۶ | حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین زمانیان



- فقیه در قامت پناهگاه اندیشه؛ مروری بر بخشی از مباحث اسناد ملک‌زاده در باب ولایت فقیه و حکومت اسلامی | ۱۳۹|  
دکتر اسحاق سلطانی
- بازاندیشی در نسبت میان حکم اولی، ثانوی و حکومتی و امتداد آن در ساحت اجتماع و حکومت | ۱۴۲|  
دیدگاه استاد محمد حسین ملک‌زاده
- تاریخ و تاریخی‌نگری در کلان‌نظر به تفقه جامع | ۱۵۱|  
دکتر سید یاسر قزوینی، حجت‌الاسلام والمسلمین محمد کثیری
- تفقه جامع، فقه‌الاجتماع و امکان مواجهه با علوم انسانی و اجتماعی در اندیشه اسناد ملک‌زاده | ۱۵۴|  
سید روح‌الله سیدی آقاملکی
- نخستین درس خارج فقه فضای مجازی در حوزه علمی | ۱۶۰|  
حجت‌الاسلام والمسلمین محمد صائغ

#### آینده پژوهی علوم انسانی اسلامی

- آینده پژوهی روان‌شناسی اسلامی مبتنی بر ظرفیت‌های آن | ۱۷۱|  
گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مسعود آذربایجانی
- آینده پژوهی و مدیریت اسلامی؛ نیازمند بازنگری عملیاتی | ۱۷۹|  
گفت‌وگو با دکتر ابوالفضل گائینی
- آینده اقتصاد اسلامی | ۱۸۵|  
دکتر عبدالحمید معرفی محمدی
- آینده پژوهی علوم سیاسی | ۱۹۱|  
دکتر طیبه محمدی کیا
- آینده مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی برای علوم انسانی | ۱۹۹|  
دکتر رضا مهدی، محمدعلی پورحنیفه





■ آینده علوم انسانی و تحول در آن | ۲۰۳ |

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر نجف لک زایی

■ رابطه آینده ایده علوم انسانی اسلامی با آینده‌های دیگر | ۲۰۹ |

دکتر سیدمحمد تقی موحد ابطیعی

■ پایان علوم انسانی در ایران | ۲۱۴ |

دکتر مجتبی رستمی کیا

■ اقتصاد ایران و بازار سرمایه: از آسیب‌شناسی تا ارائه راهکار

■ عدم تأمین مالی بخش تولید، توسط بازار سرمایه موجود | ۲۲۹ |

گفت‌وگو با دکتر محمدجواد توکلی

■ دو بال اقتصاد سرمایه‌داری؛ حساب بازار سرمایه و خلق پول بانکی | ۲۴۱ |

گفت‌وگو با دکتر رسول بخشی

■ وقتی بازار سرمایه ایران، دل در گرو زلف اهداف اقتصاد اسلام و اقتصاد متعارف ندارد | ۲۵۲ |

نشست علمی با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر غلامعلی معصومی نیا و حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمدرضا صفا

■ چرایی وجود و سازوکار عمل بازار سرمایه | ۲۶۶ |

دکتر محمدرضا توکل نیا

■ پلئوتوکسیا (سرمایه‌داری مالی)؛ مناقشه‌ای دیرپا | ۲۶۹ |

احسان ولدان

■ بازخوانی انقلاب اسلامی: از ریشه تا میوه

■ انقلاب اسلامی؛ نقطه عطف تاریخی ورود دین به عرصه اجتماع | ۲۸۷ |

گفت‌وگو با دکتر روح‌الامین سعیدی

■ نگاهی آسیب‌شناسانه به جریان‌های سیاسی انقلاب اسلامی | ۲۹۷ |

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رضا رمضان‌نرگسی

■ آسیب‌شناسی فرجام انقلاب: بررسی نظریه ترمیدور با نگرش قرآن | ۳۱۱ |

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عیسی مولوی وردنجانی

■ مبانی فلسفی انقلاب اسلامی | ۳۲۰ |

دکتر سید جواد میرخلیلی

■ هفتمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

■ انقلاب اسلامی ما یک انقلاب تحول‌گرا در علوم انسانی بود | ۳۳۰ |

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمد حسین شریفی

■ رشته‌های علوم انسانی بوبش، پیرایش و پالایش فرهنگی جامعه را رقم می‌زنند | ۳۳۲ |

دکتر محمدعلی زلفی گل



- پیشنه‌ها حداد عادل برای عملیاتی شدن تحول در علوم انسانی | ۳۳۴ |  
دکتر غلامعلی حداد عادل
- علوم انسانی اسلامی به لبیک بدنه علمی نیاز دارد | ۳۳۶ |  
حجت‌الاسلام والمسلمین احمد واعظی
- در تمدن اسلامی در شناخت قواعد، پایه‌گذار بوده‌ایم | ۳۳۸ |  
دکتر محمود حکمت‌نیا
- باید برای همه مراحل علوم انسانی اسلامی راه‌حل داشته باشیم | ۳۳۹ |  
دکتر عطاءالله رفیعی آتانی
- علوم انسانی اسلامی در مقام عینیت حاصل پروسه طبیعی در جامعه دینی است | ۳۴۰ |  
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رضا غلامی
- بیانیه ششمین جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی | ۳۴۳ |

#### تأملات

- نقد درون‌گفتمانی ایده مرجعیت علمی قرآن | ۳۴۹ |  
گفت‌وگو با دکتر سیدمحمدتقی موحد ابطحی
- نگاهی به علوم انسانی اسلامی؛ از نظریه پردازی تا قانون‌گذاری | ۳۵۷ |  
دکتر عطاءالله رفیعی آتانی
- هست و باید از یکدیگر استنتاج می‌شوند؛ مقدمه‌ای بر نظریه یکسان‌انگارانه در باب گزاره‌ها | ۳۶۴ |  
دکتر سید علی سیدی فرد
- آینده‌اندیشی از منظر قرآن کریم | ۳۶۸ | علی توحیدیان

#### کتاب و نشر

- **نازه‌های نشر**  
الگوی رهبری امام خامنه‌ای (دام عزه العالی) | ۳۷۸ |  
مؤلف: دکتر عباس شفیعی
- **مروری بر واژه‌های روان‌شناختی قرآن** | ۳۸۰ |  
مؤلف: حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد کاویانی ارنانی
- **اصول حقوق بشر دوستانه در اسلام و حقوق بین‌الملل** | ۳۸۴ |  
مؤلف: دکتر عبدالحکیم سلیمی
- **معرفی کتاب**  
طراحی بازار؛ در آمدی بر نظریه به هم رسانی پایدار و کاربردهای آن | ۳۸۹ |  
مؤلفان: دکتر محمدجواد رضائی، دکتر علی نصیری اقدم و دکتر مهدی موحدی‌یکنظر
- **رساله دکنری**  
راهبردهای پیشرفت اقتصادی پیامبر(ص)؛ رهیافتی بر پیشرفت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران | ۳۹۳ |  
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید جواد میرزاده



## جایگاه تقریر القرآن در هندسه معرفتی تفقه جامع از منظر استاد ملک زاده

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید کریم خوب‌بین خوش‌نظر

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید کریم خوب‌بین خوش‌نظر، عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم و متخصص در علوم قرآن و تفسیر است. برخی از مهم‌ترین آثار این استاد عبارت‌اند از: کتاب‌ها: نقد تئوری بسط تجربه نبوی؛ نقد دیدگاه دکتر سروش و مهندس بازرگان در زمینه جامعیت حداقلی دین. مقالات: «بررسی دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر آیه تبیان»؛ «بررسی و تبیین تلازم موجود بین جامعیت دین و ختم نبوت تشریحی با تأکید بر تفسیر المیزان»، «نسبت بین اعجاز قرآن و جامعیت آن از منظر علامه طباطبایی ره».

گفت‌وگویی حاضر با دکتر خوش‌نظر در رابطه با دیدگاه‌های استاد محمدحسین ملک‌زاده در باب تقریرالقرآن و جایگاه این بحث در تفقه جامع است. شروع گفت‌وگو با بحث در مورد مفهومی کلی‌تر به نام تفقه جامع به همراه مؤلفه‌های آن است. ایشان تفقه جامع را فراتر از فقه حکم و به معنای تفقه در کل گستره دین دانسته و نیز مؤلفه‌های تفقه جامع را جامعیت آن نسبت به دین، انسان، زندگی، منبع و دلیل، روش و خروجی بیان کرده است. در ادامه، دیدگاه حجت‌الاسلام ملک‌زاده در مورد یکی از بخش‌های تفقه جامع با نام تقریرالقرآن بازگو شده است؛ لذا پس از توضیح در مورد حجیت تقریرالقرآن، به بیان شرایط استفاده از آن پرداخته شده است. شرایط استفاده از تقریرالقرآن یا همان بهره‌گیری از خطابات غیرمستقیم قرآن، شامل بیان یک مطلب در قرآن، ظهور آیات قرآن در آن بیان و عدم وجود هرگونه قرینه‌ای در رد یا تأیید آن مطلب است. ایشان پس از بیان قابل‌تعریف بودن تقریرالقرآن در دایره علم اصول، به دعاهای موجود در قرآن به‌عنوان یک نمونه از تقریرالقرآن اشاره کرده و در نهایت، دامنه کاربرد تقریرالقرآن را بسیار وسیع و غیرقابل‌انحصار در فقه‌الشریعه می‌داند.

می‌رسد در بحث تفقه جامع، باید نیم‌نگاهی به آیه ۱۲۲ سوره توبه، یعنی آیه انذار داشته باشیم. کلیدواژه اصلی مورد استفاده در این آیه شریفه «تفقه در دین» است. در این آیه نه تنها تفقه در فقه حکم و فقه‌الشریعه که به تفقه در دین

در ابتدا مناسب است در باب تصویر کلی «تفقه جامع» گفت‌وگو کنیم. تفقه جامع



چیست؟

ضمن تشکر از فرصتی که در اختیار بنده قرار دادید، به نظر



و وسعت دین نیز امر شده است. تفقه در دین، شناخت مجموعه دین؛ اعم از معارف و عقاید و نظام‌ها و احکام است. این فقه برخلاف فقه حکم، تفقه در وسعت دین را در برمی‌گیرد. دقیقاً همان چیزی که در آیه انذار «لیتفقها فی الدین» مورد مطالبه قرار گرفته و غایت آن نیز ایجاد حدّ و بی‌قراری «لعلهم یحذرون» در وجود آدمی است، اما در واقع فقه، حکم به دست آوردن دستور عمل، هنجارها و باید‌ها و نبایدها است.

دین نه تنها احکام و تعبد نیست که زندگی، روش، راه و مقصد را نیز باهم دارد و از این روست که امر به اجابت دعوت خدا و رسول (ص) «استجبوا لله وللرسول اذا دعاکم لما یحییکم» مطرح می‌شود. دین با رسول خدا (ص) و با روش برخورد، تربیت و هدایت او آغاز می‌شود؛ به سخن دیگر، دین با هدایت رسول و بینات و میزان و کتاب آغاز می‌شود و معارف و عقاید شکل می‌گیرد. معارف، مبانی و عقاید است که مقاصد و آرمان‌های آدمی را می‌سازد و همین مبانی و مقاصد، نظام‌ها را پایه‌گذاری می‌کنند و سیستم‌ها را می‌سازند و همین نظام‌سازی است که نظام تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی را به دنبال می‌آورد. طبق آنچه در باب فقه دین و تفقه در دین گفته شد، به نظر می‌رسد عنوان تفقه جامع را می‌توان کاملاً منطبق بر تفقه در دین و به نوعی مترادف آن دانست.

در روایات زیادی هم به روشنی و وضوح، امر و مطالبه به تفقه در دین مطرح شده که تنها به دو مورد از کتاب شریف اصول کافی اشاره می‌کنم. امام صادق (ع) می‌فرماید: «تفقها فی الدین؛ فانه من لم یتفقه منکم فی الدین فهو اعرابی». همچنین حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «علیکم بالتفقہ فی دین الله و لاتکونوا اعرابا، فانه من لم یتفقہ فی دین الله، لم ینظر الله الیه یوم القیامه و لم یرک له عملاً...». شاید ذکر یک نکته در ادامه یاد کرد از این احادیث خالی از لطف نباشد و آن اینکه تحذیر امام صادق (ع) نسبت به این مسئله است که مراقب باشید در زمره اعراب قرار نگیرید، به معنای ذم آنان نیست. بلکه بیان یک واقعیت است و آن اینکه کسانی که در صحاری و بوادی سکونت دارند و از مراکز علم و تمدن دورند، امکان دست‌یابی به فقه دین برایشان فراهم نیست و در نتیجه نمی‌توانند به حقیقت دین و عرصه‌های مختلف آن دست پیدا کنند و از این جهت دچار

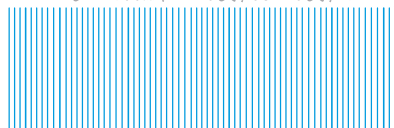
محرومیت و استضعاف فکری خواهند شد؛ بنابراین، تا اینجا می‌توان ادعا کرد که مفهوم تفقه در دین و به عبارتی تفقه جامع مورد نظر استاد ارجمند آیت‌الله ملک‌زاده، یک مفهوم کاملاً قرآنی و روایی است و از اصطلاح رایج فقه حکم به نوعی متمایز است. به دیگر سخن، اصطلاح رایج فقه حکم و فقه احکام در حوزه‌های علمیه قدیم و جدیداً یک اصطلاح مستحدث است؛ در حالی که آنچه از نصوص شرعی اعم از آیه انذار و روایات فهمیده و اراده می‌شود، فقه دین و تفقه در دین است و نه فقه حکم.

جالب اینکه مرحوم فیض کاشانی از برخی از اعلام گذشته چون غزالی نقل می‌کند آنان نیز معتقد بودند اصطلاح رایج فقه، اصطلاح و معنایی مستحدث است. غزالی در احیاء العلوم بر این باور بود که اصطلاح فقه در ابتدا و در عصر نخست، اسم برای آخرت و معرفت دقائق اوقات نفوس و مفسدات اعمال و قوه احاطه به حقارت دنیا و شدت تطّلع به نعم آخرت و استیلا خوف بر قلب بوده و اتفاقاً گفتارش را به آیه انذار مستند می‌سازد.

مرحوم شیخ بهایی نیز تأکید می‌کند که از اصطلاح فقه، علم به احکام شرعی عملیه از ادله تفصیلیه آن اراده نمی‌شود و این معنا، یک اصطلاح مستحدث و نوپدید است. مرحوم علامه طباطبایی نیز در تفسیر شریف المیزان تأکید می‌کند مراد از تفقه در دین، تفهم جمیع معارف دینی، اعم از اصول و فروع است، نه احکام عملیه و فقه مصطلح علیه نزد مشرعه.

شایان ذکر است نظریه «تفقہ جامع» یا «اسلام‌شناسی اجتهادی جامع» که از سوی آیت‌الله محمدحسین ملک‌زاده سامان یافته، به خوبی و گستردگی، همه ابعاد تفقه جامع را تبیین و تشریح می‌کند. استاد در مباحث خارج اصول فقه خود، تفقه جامع را این‌گونه تعریف می‌کند: «تفقہ جامع، عبارت است از تحقیقی همه‌جانبه و فراگیر در تمام دین الهی و معارف ربانی، مشتمل بر کلیه آموزه‌های اسلام در ابعاد اندیشگی، شناختی، بینشی و پوشش‌دهنده باورهای بنیادین، ارزش‌ها، گرایش‌ها و رفتارها، به‌غایت تحقق در جان و کالبد فرد و جامعه و اجرا و عملیاتی شدن در همه اجزا، جوانب و سطوح حیات».

از منظر استاد، تفقه جامع دارای منطقی به نام «اصول‌الفقه بالمعنی الاعم» بوده و امتیاز آن، به جامعیت آن است. این



**استاد در ضمن مباحث درس خارج اصول فقه خود و همچنین پاره‌ای از مباحث علمی دیگر، بر این نکته تأکید دارد که خطابات آیات قرآن کریم، به دودسته تقسیم می‌شود. الف) خطابات مستقیم؛ ب) خطابات غیرمستقیم. معمولاً در فرایند استنباط و تفقه، بیشترین توجه به خطابات مستقیم است؛ در حالی که با استفاده از تقریرالقرآن، افزون بر خطابات مستقیم، زمینه بهره‌گیری از خطابات غیرمستقیم قرآن کریم نیز فراهم می‌شود.**

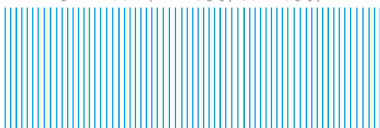
آیات الاحکام و فقه الشریعه عبور کرده و افق جدیدی از گستره موضوعات و اهداف فقه‌العقیده و فقه‌الاخلاق و... را به‌سوی مُتفقهین در دین گشوده است. استاد در ضمن مباحث درس خارج اصول فقه خود و همچنین پاره‌ای از مباحث علمی دیگر، بر این نکته تأکید دارد که خطابات آیات قرآن کریم، به دودسته تقسیم می‌شود. الف) خطابات مستقیم؛ ب) خطابات غیرمستقیم. معمولاً در فرایند استنباط و تفقه، بیشترین توجه به خطابات مستقیم است؛ در حالی که با استفاده از تقریرالقرآن، افزون بر خطابات مستقیم، زمینه بهره‌گیری از خطابات غیرمستقیم قرآن کریم نیز فراهم می‌شود. معنای تقریرالقرآن یعنی قرآن کریم، اقوال، افعال، آراء و عقاید شخص، اشخاص، اقوام و یا پیروان یک دین و شریعت را مورد اشاره قرار دهد، اما هیچ قرینه سابقه یا لاحقه‌ای اعم از قولی یا مقامی بر رد و انکار آن نیاورد؛ بنابراین، نبودن قرینه بر رد، به معنای تقریر مطلب به‌وسیله قرآن است. با این بیان می‌توان گفت: اگر تقریرالقرآن مطرح نشود و فقیه فقط به خطابات مستقیم قرآن اکتفا کند، خود را از بخش قابل توجهی از آموزه‌های قرآنی محروم کرده است؛

جامعیت در دو مقام «تحقیق» و «تحقق» مورد توجه قرار گرفته است. متعلق جامعیت در این نظریه، ناظر به شش امر است که به دلیل اهمیت آن و اینکه شاید هیچ از اعلام گذشته، این ابعاد از جامعیت تفقه جامع را بیان نکرده باشند، آنها را بازگو می‌کنم؛ این موارد شش‌گانه عبارت‌اند از:

۱. جامعیت ناظر به دین: شامل عقاید، شریعت و اخلاق؛
۲. جامعیت ناظر به انسان: شامل همه انسان‌ها در همه اعصار و امصار؛
۳. جامعیت ناظر به زندگی: شامل دو بُعد عمودی (شامل همه سطوح حیات بشر: اعم از فردی، خانوادگی، اجتماعی، حکومتی و تمدنی) و افقی (شامل همه ساحات و سطوح زندگی؛ اعم: از امرار معاش، خوراک، پوشش، امنیت، سلامت، آداب و رسوم، تعلیم، تربیت و مدیریت؛
۴. جامعیت ناظر به منبع و دلیل؛
۵. جامعیت ناظر به روش؛
۶. جامعیت ناظر به خروجی.

**فُرَاد از تقریرالقرآن چیست؟ در علم اصول فقه، بحث از تقریر معصوم (ع) و سکوت امضایی او مطرح شده است، اما تقریر قرآن چه معنایی دارد؟**

قبل از بیان معنای تقریرالقرآن، برای مقدمه نکته‌ای را عرض می‌کنم. آنچه از مباحث استاد ارجمند استفاده می‌شود، این است که ایشان نظریه «تقریرالقرآن» را با الهام از تقریر معصوم (ع) و سکوت امضایی او در دانش اصول فقه، ابداع و ارائه کردند. به سخن دیگر، استاد با ابتکار و خلاقیت در خور توجه، جایگاه حلقه مفقوده تقریرالقرآن را در گستره تفقه جامع و «اسلام‌شناسی اجتهادی جامع» به‌خوبی ابداع کردند. به نظر می‌رسد اگر در بیان رابطه متقابل کتاب و سنت نیز قائل به نظریه قرآن محوری و سنت‌مداری باشیم، چنان‌که بسیاری از بزرگان؛ همچون علامه طباطبایی (ره) این نظریه را پذیرفته و قائل به نسبت طولی بین کتاب و سنت هستند، به‌نحو بسیار بهتر و شگرفی می‌توانیم ارزش کلان نظریه تفقه جامع که تقریرالقرآن از ارکان اصلی آن است را دریابیم. همچنین در یک نسبت‌سنجی بسیار ساده می‌توان کارآمدی تقریرالقرآن را در تفقه جامع و اسلام‌شناسی اجتهادی جامع دریافت. حقیقت این است که تقریرالقرآن از قلمرو محدود





جامع، یعنی فرایند «نظام‌سازی اسلامی» است؛ زیرا تغییر مفهوم «نظام‌سازی فقهی» به «نظام‌سازی اسلامی» در تفقه جامع سبب می‌شود این فرایند نه تنها مبتنی بر فقه الشریعه نباشد که اخلاق و عقاید نیز سهمی قابل توجه در شکل‌گیری نظام‌های اسلامی داشته باشد؛ بنابراین، در نظام‌سازی اسلامی که مبتنی بر همهٔ دین، اعم از عقاید، اخلاق و شریعت است، به‌نوعی از همهٔ آیات قرآن استفاده خواهد شد.

۲. جهت دوم «تقریرالقرآن» است که در سؤال قبل توضیح داده شد.

**بر چه اساسی تقریرالقرآن حجت است؟**  
**بالاخره در علم اصول بیان می‌شود**  
**«الاصل عندالشک فی الحجیة، عدم الحجیة»؛ این**  
**یعنی حجیت هر چیز - به استثنای قطع - نیاز به**  
**دلیل دارد. در دفاع از حجیت تقریرالقرآن چه**  
**می‌توان بیان کرد؟**

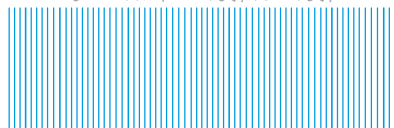
قبیل از بیان دلیل حجیت تقریرالقرآن، باید اشاره کنم «تقریر» در بیانات فقها که از آن با الفاظ «امضا»، «تأیید»، «اقرار»، «سکوت‌المعصوم»، «رضا» و «تصحیح» نیز یاد

به سخن دیگر، بنیادی‌ترین منبع استنباط معارف اسلامی، قرآن کریم است و منطق تفقه جامع با توجه ویژه به خطابات غیرمستقیم قرآنی از طریق تقریرالقرآن، دامنهٔ استفاده از قرآن را توسعه داده است.

### جایگاه قرآن در منطق تفقه جامع چیست؟

امتیاز کلان نظریهٔ تفقه جامع به جامعیت آن در عرصه‌های شش‌گانهٔ دین، انسان، زندگی، منبع و دلیل، روش و خروجی آن است و البته همان‌طور که بیان شد، جامعیت در منابع و ادله نیز در این نظریه لحاظ شده است؛ طوری که برای دستیابی به علوم اسلامی، از منابع معرفتی و ادله نقلی، عقلی، شهودی، عقلایی، حسی و تجربی، هرکدام به فراخور مورد و متناسب با شرایط و ظرفیت‌های خاصی که دارند، بهره‌برداری می‌گردد. از آنجاکه بنیادی‌ترین منبع استنباط معارف اسلامی، قرآن کریم است، در منطق تفقه جامع، نسبت به بهره‌گیری از آیات قرآن نیز توسعه ایجاد شده است. این توسعه، دست‌کم از دو جهت صورت پذیرفته است:

۱. جهت اول اینکه در یکی از مهم‌ترین فرایندهای تفقه



**نقض غرض - غرض هدایت - بر حکیم محال است. مبتنی بر این اصل، اگر خداوند در قرآن کریم مطلبی را بیان کند که سبب انحراف، اغراء به جهل و مشتبه شدن امر بر مخاطبین او شود، نقض غرض هدایت کرده است.**

پس از بررسی دو مبنای عقلی و استظهاری دلالت سکوت معصوم بر امضا، اکنون مبنای تقریرالقرآن را بررسی خواهیم کرد. روشن است که قسم دوم مبنای عقلی؛ یعنی فرض «مکلف بودن قرآن» در مورد خداوند و قرآن قابل تصور نیست؛ زیرا قرآن کلام الله است و مکلف بودن خداوند معنا ندارد، اما مکلف و شارع بودن قرآن کریم قابل فرض است. با این فرض، به توضیح مبنای سکوت قرآن بر تقریر می پردازیم. می دانیم که قرآن کریم، کتاب هدایت بشر است و هیچ کجی و نادرستی و سخن باطل، لغو، عبث و بی ثمری در آن وجود ندارد؛ لذا همه مطالب قرآن از جمله حکایات، قصص و منقولات آن، برای هدایت بوده و غرض خداوند از نزول قرآن نیز هدایت است.

با توجه به استدلال مذکور، روشن می گردد که نقض غرض - غرض هدایت - بر حکیم محال است. مبتنی بر این اصل، اگر خداوند در قرآن کریم مطلبی را بیان کند که سبب انحراف، اغراء به جهل و مشتبه شدن امر بر مخاطبین او شود، نقض غرض هدایت کرده است؛ به بیان روشن تر، اگر قرآن مطلبی را که مورد رضایت خداوند نیست نقل کرده و در عین حال، تذکری به نادرست بودن آن ندهد، بی تردید آن مطلب، لغو است؛ حتی بالاتر می توان گفت، اغراء به

شده، همان «سکوت امضایی شارع» است. در بحث های اصولی توضیح داده می شود که دلالت سکوت معصوم (ع) بر امضا، بر دو مبنای «عقلی» و «استظهاری» استوار است و مبنای عقلی از دو طریق قابل اثبات است:

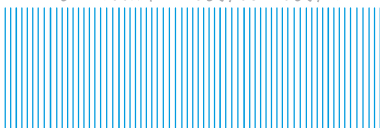
الف - معصوم (ع) به مثابه مکلف (کسر لام) و شارع در نظر گرفته شود؛

ب - معصوم (ع) به مثابه مکلف (فتح لام) و مخاطب تکلیف لحاظ گردد.

در توضیح مکلف و مکلف بودن معصوم (ع) به ترتیب باید گفت قرآن کریم در آیه نهم سوره نحل می فرماید: «وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ»؛ بنابراین، اگر جایی منکری انجام شود، بر شارع لازم است ورود کرده، ردع و منع انجام دهد. از آنجا که شأن معصومین (علیهم السلام) پیگیری اهداف و غایات شارع مقدس؛ یعنی اشاعه و گسترش دین است، ایشان نیز ملحق به شارع غرض مند هستند؛ بنابراین، اگر معصوم (ع) بدون هیچ محذوری، در مقابل منکری سکوت کرده، ردع و منعی انجام ندهد، نقض غرض کرده است. به این ترتیب، می توان نتیجه گرفت در صورت اجتماع شروط تقریر، سکوت معصوم (ع) به عنوان شارع و مکلف نشان از تقریر و رضایت او نسبت به گفتار یا رفتار اشخاص دارد.

همچنین بر اساس مبانی اصولی ثابت شده، مانند «قاعده اشتراک» بین معصوم و غیر معصوم در احکام و حقوق و یا «قاعده مثلثیت»، معصومین (ع) نیز محکوم به احکام سایر مکلفان هستند و بر آنان نیز مانند سایر مکلفان، تکالیفی مانند «تعلیم جاهل» و «امر به معروف و نهی از منکر» واجب است. پس به حکم معصوم بودن ایشان، اگر رفتار یا گفتاری در پیشگاه معصومین (ع) اتفاق افتد و امکان ردع هم داشته باشند، اما سکوت کنند، به معنای امضای آن رفتار یا گفتار از جانب شارع است.

در مبنای استظهاری، این مبنا برخلاف مبنای عقلی، از طریق استظهار و حجیت ظهور اثبات می شود. مطالعه تاریخ معصومین (ع) نشان می دهد ایشان در مقام تبلیغ شریعت و از بین بردن انحرافات و تصحیح خطاها هستند و ظهور حال ایشان، برخورد و مانع شدن از این گونه امور است؛ بنابراین، سکوت آنها نسبت به سلوکی که در مقابل ایشان انجام شود، بیانگر عدم مخالفت آن سلوک با شریعت است.



و جهل و اضلال است که در نتیجه، نقض غرض صورت پذیرفته است. بر اساس مبنای ظهور حال نیز تفاوت زیادی میان معصومین (ع) و قرآن کریم وجود ندارد؛ یعنی مطالعه و بررسی مجموع کلام خداوند با بشر در قرآن کریم، اعم از حکایات، قصص، تمثیلات و... بیانگر ظهور حال خداوند در هدایت بشر و از بین بردن انحرافات عقیدتی و عملی مردم است؛ بنابراین، سکوت قرآن و نیاوردن قرینه‌ای مبنی بر عدم رضایت نسبت به افعال، آرا و اقوالی که خود نقل می‌کند، بیانگر عدم مخالفت قرآن با آن فعل، عقیده و قول است. خلاصه اینکه، تقریرالقرآن نیز استظهاری است که فقیه از آیه، مبنی بر تأیید و امضای قرآن نسبت به یک قول، فعل یا عقیده انجام می‌دهد.

**آیا بحث تقریرالقرآن بحثی اصولی است؟**

یعنی می‌توان همان گونه که تقریر معصوم و سکوت امضایی او را یک بحث اصولی برای کشف مفاد ادله شرعی و گاه احکام شریعت تلقی می‌کنیم، تقریرالقرآن را نیز به دانش اصول فقه بیفزاییم؟ اگر آری جایگاه این بحث کجاست؟

طبق مبانی استاد آیت‌الله ملک‌زاده در طرح کلان‌نظریه تفقه جامع، بی‌تردید تقریرالقرآن یک بحث اصولی است. فراموش نکنیم که نظریه تفقه جامع یا اسلام‌شناسی اجتهادی جامع از نظر ایشان تحقیق در همه دین، ناظر به تحقق در همه زندگی بوده و دارای منطقی متقن به نام «اصول‌الفقه بالمعنی‌الاعم» است. همچنین قوام تفقه جامع به اجتهاد و امتیاز آن به جامعیتش خواهد بود؛ بنابراین، جایگاه بحث از تقریرالقرآن در مباحث اصول‌الفقه بالمعنی‌الاعم است، نه اصول‌الفقه موجود که از طرح چنین مبنایی غفلت ورزیده است؛ به دیگر سخن، نظریه تفقه جامع دارای منطقی جامع است که از آن در اصطلاح به «علم اصول جامع» تعبیر می‌شود. این منطق نه تنها ناظر به «احکام شریعت» نیست که به کل دین با گستره وسیعی که بیان شد نظر دارد و به نوعی، بازنگری و توسعه در «علم اصول فقه» موجود پرداخته است؛ مثلاً در این منطق به بازتعریف اموری مانند «دین و قلمرو آن»، «فقه و فقاہت و سطوح آن»، «حجیت»، «علم»، «ظن»، «حکم شرعی»، «اجتهاد»، «نظام‌سازی اسلامی» و «علم دینی» پرداخته شده است.

**اگر مثال‌های بیشتری از موارد کاربرد تقریرالقرآن در مقام استنباط احکام یا**

در مورد شرایط استفاده از تقریرالقرآن دیدگاه استاد ملک‌زاده بیشتر توضیح دهید. در اصول فقه، استفاده از تقریر معصوم (ع) شرایط و مبانی خاصی دارد. در اینجا چه شرایطی برای تقریرالقرآن در نظر گرفته شده است؟ همان‌طور که اشاره کردید، تحقق تقریر معصوم (ع) توقف بر حصول چهار رکن است که عبارت‌اند از:

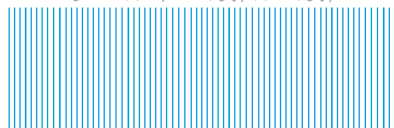
**در مورد شرایط استفاده از تقریرالقرآن دیدگاه استاد ملک‌زاده بیشتر توضیح دهید. در اصول فقه، استفاده از تقریر معصوم (ع) شرایط و مبانی خاصی دارد. در اینجا چه شرایطی**

**برای تقریرالقرآن در نظر گرفته شده است؟**

همان‌طور که اشاره کردید، تحقق تقریر معصوم (ع) توقف بر حصول چهار رکن است که عبارت‌اند از:

- انجام یافتن رفتار یا گفتار در پیشگاه معصوم (ع)؛
- توجه معصوم (ع) نسبت به آن گفتار یا رفتار؛
- وجود مقتضی و عدم مانع برای تبه خاطر توسط معصوم (ع)؛
- سکوت معصوم (ع).

در مورد شروط تحقق تقریرالقرآن از منظر آیت‌الله ملک‌زاده باید تصریح کنیم که مهم‌ترین ویژگی و شرط تحقق تقریرالقرآن این است که این تقریر در موردی صدق می‌کند که قرآن مطلبی را از دیگران نقل کرده باشد؛ یعنی در مواردی که قرآن کریم اقوال، افعال، آرا و عقاید شخص، اشخاص، اقوام و یا پیروان یک دین و شریعت را مورد اشاره قرار داده، اما در عین حال، هیچ قرینه سابقه یا لاحقیه‌ای اعم از قولی، سیاقی و مقامی بر رد و انکار آن نیاورده باشد. در این صورت، از همین عدم وجود قرینه بر رد و انکار، می‌فهمیم که آن مطلب مورد تأیید قرآن بوده است. بر این اساس، موردی را که ظاهر قرآن به صراحت متعرض آن نشده، و نفیاً و اثباتاً در مورد آن موضعی اتخاذ نکرده است را نمی‌توان مورد تقریر





بر اساس نظریه تقریر القرآن، هر دعایی که در قرآن با ردع و منع یا حتی اصلاح و تصحیحی مواجه نشده باشد، دعایی مشروع است. این بیان، دست کم دارای دو نتیجه و اثر است: الف - ثمره فقهی بالمعنی الاخص: ما از تقریر دعا در قرآن نتیجه می گیریم که این دعا چه در حالت عادی و چه در حال عبادتی مانند نماز، مشروع و جایز است. ب - ثمره معارفی: اگر دعایی در قرآن مطرح شود و هیچ اشکال یا تصحیحی بر آن وارد نشده باشد، نشان می دهد مفاد این دعا مورد رضایت پروردگار است.

سوره آل عمران: «فَاتَاهُمُ اللَّهُ تَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» و ۱۳۴ سوره نسا: «فَعَنْدَ اللَّهِ تَوَابَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» بیان شده است و همچنین در ادعیه و زیارات ما با تکرار تعبیر «خیر الدنیا و الآخرة»: مانند دعای ۴۸ صحیفه سجادیه: «تُعْطِيهِمْ بِهِ خَيْرًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ أَنْ تُؤَفَّرَ حَظِّي وَ نَصِيبِي مِنْهُ» یا: «عافیه الدنیا و الآخرة» و در دعای: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ عَافِيَةً تَتَّبِعُهَا عَافِيَةً، شَافِيَةً كَافِيَةً، عَافِيَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.» مورد تأکید قرار گرفته است. امام علی (ع) نیز در عهد محمد بن ابی بکر، در این باره می فرماید: «اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُتَّقِينَ دَهَبُوا بِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَ آجِلِ الْآخِرَةِ».

جامعیت تفقه جامع، در دیدگاه استاد ملک زاده، ناظر به جامعیت در ادله استنباط از دین هم هست. آیا تقریر القرآن، به توسعه برداشت های ما از قرآن ختم می شود و آیا تقریر القرآن را می توان در پرتو جامعیت ناظر به ادله استنباط در تفقه جامع فهم کرد؟

بی تردید ایده ابتکاری و خلاقانه تقریر القرآن در ضمن نظریه

### سایر آموزه های قرآنی سراغ دارید، بیان فرمایید.

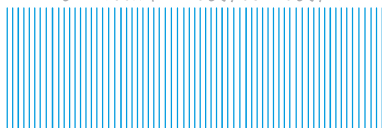
با توجه مباحث استاد ارجمند آیت الله ملک زاده می توان مثال ها و نمونه هایی در این زمینه بیان کرد؛ از جمله می توان جواز اصل دعا با تقریر القرآن و تأیید اجمالی معارف و مطالب ادعیه را مثال زد.

در قرآن کریم آیات فراوانی به دعا اختصاص دارد؛ مثلاً واژه «رَبَّنَا» در قرآن کریم که عموماً بیانگر دعا است، ۷۲ مرتبه تکرار شده است. همچنین مُعْظَم تکرار واژه های «رَبِّ» یا «اللَّهُم» در قرآن کریم نیز بیانگر دعا است. میزان فراوانی دعا های قرآنی، اهمیت بهره گیری ضابطه مند و حجیت محور از معارف این آیات را بیش از پیش روشن می کند. بر اساس نظریه تقریر القرآن، هر دعایی که در قرآن با ردع و منع یا حتی اصلاح و تصحیحی مواجه نشده باشد، دعایی مشروع است. این بیان، دست کم دارای دو نتیجه و اثر است: الف - ثمره فقهی بالمعنی الاخص: ما از تقریر دعا در قرآن نتیجه می گیریم که این دعا چه در حالت عادی و چه در حال عبادتی مانند نماز، مشروع و جایز است.

ب - ثمره معارفی: اگر دعایی در قرآن مطرح شود و هیچ اشکال یا تصحیحی بر آن وارد نشده باشد، نشان می دهد مفاد این دعا مورد رضایت پروردگار است.

شایان ذکر است توجه و استفاده از تقریر القرآن در ادعیه قرآنی، بابتی بزرگ از معارف به روی فقیه می گشاید. گاهی در قرآن کریم، خداوند به طور مستقیم به نقل دعای افراد یا گروه هایی می پردازد؛ مثلاً خداوند در آیات ۲۰ تا ۲۰۲ در سوره بقره می فرماید: «فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ. وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا وَ اللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ».

طبق آنچه گذشت، ثمره فقهی بالمعنی الاخص این آیات، مشروعیت و مطلوبیت دعای گروه دوم در این آیات است. افزون بر این فایده، رجحان و مطلوبیت معارف مطرح شده در دعای مورد تقریر، قابل استفاده و بهره گیری است. در این دعا مهم ترین نکته مطرح، طلب خیر و نیکی دنیا به همراه خیر و نیکی آخرت است. این دعای مورد تقریر در مقام بیان اهمیت دنیا در کنار آخرت است و طلب هر یک را بدون دیگری مطلوب نمی داند. چنین معنایی در آیات ۱۴۸



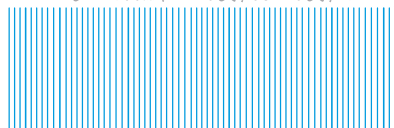


تفقه جامع از سوی استاد، بایی بسیار واسع از معارف الهی و ربانی را به سوی متفهمین در دین خواهد گشود و پژوهش‌های بسیار ارزشمند و فاخری در حوزه قرآن پژوهی، معرفت دینی و اسلام‌شناسی رقم خواهد زد. آن گونه که پیش‌تر عرض شد، نظریه تفقه جامع دارای منطقی به نام «اصول الفقه بالمعنی الاعم» است. قوام این تفقه به اجتهاد و امتیازش به جامعیت آن هست. این جامعیت در دو مقام «تحقیق» و «تحقق» مورد توجه قرار می‌گیرد و یکی از ابعاد جامعیت در منطق تفقه جامع، جامعیت در تنوع و تکثر منابع و ادله است که افزون بر استفاده حداکثری از ادله نقلی، عقلی، شهودی، عقلانی، حسّی و تجربی به توسعه بهره‌گیری از منابع رایج و متداول نیز پرداخته و یکی از این موارد، بهره‌مندی حداکثری از آیات قرآن است؛ بنابراین، در پاسخ به بخش پایانی سؤال شما «آیا تقریر القرآن را می‌توان در پرتو جامعیت ناظر به ادله استنباط در تفقه جامع فهم کرد» بی‌تردید همین گونه است. شاید بتوان گفت بیشترین فایده و کارآمدی تقریر القرآن، همین بهره‌مندی از ظرفیت حداکثری و بسیار سترگ قرآن کریم در عرصه‌های فقه‌العقیده و فقه‌الاخلاق و... است؛ لذا تقریر القرآن، جامعیت حداکثری و بی‌بدیل قرآن کریم را در جایگاه ادله استنباط در تفقه جامع مبرهن می‌سازد.

**ممکن است این سؤال در ذهن کسی مطرح شود که چه نیازی داریم از هر سکوت قرآن در برابر قول یا فعل شخص خاصی امضا استفاده کنیم؟ آیا مواردی بوده که قرآن، قول یا فعلی را رد کرده باشد؟**

به نظر می‌رسد همان‌طور که ردع و عدم تقریر قرآن نسبت به اقوال و افعال افراد، حتی پیامبران از اعتبار و حجیت برخوردار بوده، و دست‌مایه استنباط و تفقه در عرصه‌های قرآن پژوهی و معرفت دینی می‌گردد، به همان میزان و حتی بیشتر از آن، تقریر القرآن از چنین جایگاهی برخوردار بوده و افق‌های جدیدی را در عرصه‌های تفقه جامع، از جمله فقه‌العقیده، فقه‌الاخلاق و سایر موارد به روی متفهمین در دین می‌گشاید.

نمونه‌هایی را می‌توان در قرآن سراغ گرفت که خداوند اقوال و افعال افراد، حتی پیامبران الهی و اولوالعزم را ردع و منع نموده است؛ یکی از این نمونه‌ها، ردع و عدم تقریر درخواست



**تقریر القرآن و کلان نظریه تفقه جامع که  
تقریر القرآن از ارکان اصلی آن به شمار  
می آید، طرحی نو را در قبال انحصار  
فقه دین به فقه الشریعه در افکنده  
و جامعیت دین و به همان نسبت  
ضرورت تفقه جامع را در عرصه های  
مختلف آن مطرح ساخته است.**

بیان و روشن ساختن ابعاد و زوایای کلان نظریه تفقه جامع از منظر استاد بودیم، به خوبی و اتقان فراوان، عدم انحصار تقریر القرآن به فقه الشریعه استفاده و فهمیده می شود؛ به دیگر سخن، تقریر القرآن و کلان نظریه تفقه جامع که تقریر القرآن از ارکان اصلی آن به شمار می آید، طرحی نو را در قبال انحصار فقه دین به فقه الشریعه در افکنده و جامعیت دین و به همان نسبت ضرورت تفقه جامع را در عرصه های مختلف آن مطرح ساخته است؛ بنابراین، پاسخ به این پرسش کاملاً مثبت است. تقریر القرآن افزون بر فقه الشریعه، ناظر به فقه المعارف، فقه العقیده، فقه الاخلاق و سایر موارد است.

**افزون بر بحث اصولی و طرح منطبق  
نهفته در پس تقریر القرآن آیا می توانید  
مثال هایی واقعی و انضمامی از کاربرد تقریر القرآن  
در قرآن مطرح نمایید؟**

بی تردید این امر امکان پذیر است و البته نیازمند تتبع و دقت بسیار در عرصه های عقیده و اخلاق و سایر معارف الهی در آیات قرآن کریم است. ■

شیخ الانبیاء، حضرت نوح (ع) است. خداوند در ماجرای عذاب قوم نوح در آیه ۴۰ سوره هود می فرماید: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنْوِيرُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ»؛ چه بسا به تعبیر مرحوم شیخ طوسی در تفسیر تبیان برداشت حضرت نوح در استثنا در امر «خاندانت را (بر آن سوار کن) مگر آنها که قبلاً وعده هلاک آنان داده شده» همسرش بوده است و فرزندش را از اهل خویش می دانسته است. به همین جهت در آیات ۴۵ تا ۴۶ سوره هود، خطاب به خداوند عرض می کند: «رَبِّ إِنِّي ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ. قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْتَلِنَ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ.»

البته حضرت نوح در خطاب خود به خداوند - به تعبیر علامه طباطبایی (ره) در ج ۱۰ تفسیر شریف المیزان - نمی گوید، خداوندا تو وعده داده بودی. بلکه تنها عرض حال می کند و درخواست نجات فرزندش را از خدا دارد، اما خداوند در این آیات، چنین درخواستی را تقریر نکرده، بی درنگ در آیه بعد فرموده است: «او از اهل تو نیست»؛ یعنی اهل تو بودن، نه تنها رابطه ای نسبی یا سببی نیست که اهلیت، جنبه های معنوی نیز دارد؛ بنابراین، در این مورد، خداوند دعای حضرت نوح را به مثابه «فعل دعا کردن» رد کرده و آن را کاری جاهلانه می داند. همچنین با رد متعلق دعای ایشان، به تصحیح باور پیشینی حضرت نوح مبنی بر اینکه پسرش از اهل اوست، می پردازد. همان باوری که منشأ صدور این دعا از حضرت نوح شده است.

**سکوت امضایی قرآن تنها نسبت به  
کلمات بیان گر احکام فقه الشریعه نبوده**

است (و از قضا می دانیم که از لحاظ شریعت، برخی از احکام ادیان سابقه با فقه اسلامی متفاوت است). در این موارد، یعنی مواردی که ناظر به معارف و علوم گوناگون است نه فقه الشریعه، آیا می توان سکوت قرآن را بر تقریر حمل کرد؟ آیا تقریر قرآن، صرفاً ناظر به فقه الشریعه است یا ناظر به فقه المعارف هم است؟

به نظر می رسد از خلال پاسخ به پرسش های قبل که درصدد

